

### ❦ قرآن و وحدت اسلامی

دعوت مسلمانان به اتحاد و اخوت، در آیات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است که به برخی از آن‌ها، همراه با توضیح مختصر، اشاره می‌کنیم.

#### آیه اعتصام به حبل الله

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا  
وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً  
فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَةِ إِخْوَانِنَا  
وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم  
مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ  
تَهْتَدُونَ»

همگی به ريسمان خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آن گاه که دشمنان یک دیگر بودید، پس میان دل‌های شما آلفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کنید. این گونه، خداوند، نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند؛ باشد که شما هدایت یابید.<sup>(۱)</sup>

مراد از برادری در این آیه، برادری ایمانی است. مسلمانان با یکدیگر برادرند؛ چون هر یک از آنان همان چیزی را قصد و طلب می‌کند که دیگری در پی آن است.

امیر مؤمنان<sup>(۲)</sup> در نامه‌ای به مالک اشتر، او را به رفتار رحیمانه با زیر دستان سفارش کرده و برادری دینی و ایمانی وی را با مسلمانان مطرح ساخته است:

«فَاتَّبِعْهُمْ صِدْقَانِ إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ  
مردم و رعیت دو صفتند یا برادر دینی تو  
هستند...»<sup>(۳)</sup>

اعتصام به حبل الهی، راه را برای صعودی جمعی فراهم می‌آورد و پیامبر<sup>(ص)</sup> که به تنهایی می‌تواند تا:

«... قَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ»<sup>(۴)</sup>

پرواز کند، مأمور می‌شود که امتی را در این پرواز مدد رساند تا دیگران نیز پر و بال بکشایند و مجموعه‌ای متشکل از امت و امام، هماهنگ و



## وحدت از نگاه قرآن و معصومین

اشاره: بی‌شک احکام فقهی مسلمین از کتاب و سنت استخراج گردیده و احکام عملی خود را بر اساس قول و فعل و تأیید حضرات معصومین و آیات نورانی کتاب شریف قرآن، انجام می‌دهند. در زمینه اخلاق و رفتار نیز الگوی عملی و اسوة حسنه، معصومین و آیات گهربار مصحف کریم می‌باشند از آنجا که مسأله وحدت از جایگاه رفیع برخوردار بوده و مشترک بین تمام مسلمین است در مقاله پیش رو به این موضوع از نگاه کتاب و سنت پرداخته شده است.

منسجم راه قرب حق را در پیش گیرند:

«وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ  
الْمُؤْمِنِينَ»<sup>(۴)</sup>

پس، سیرالی الله صعود است و صعود وسیله می طلبد

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ  
الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>(۵)</sup>

و وسیله همان «حبل الله» یعنی «دین» است.

اعتصام جمعی و اتحاد و هماهنگی و انسجام بر محوریت حبل الاهی، موجب می شود همگان در برداشتن بار سنگین مسوولیت بانشاطی فزاینده مشارکت داشته باشند و بر اساس «فَأَن يَدَّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»<sup>(۶)</sup> با قدرتی افزون تر، رسالت الاهی خویش را به انجام بیاورند.

آیه ورود همگان در سلیم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ  
كَأَفْئَةٍ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ  
عَدُوٌّ مُّبِينٌ»

ای اهل ایمان! همگان در سلیم در آید و گام های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.<sup>(۷)</sup>

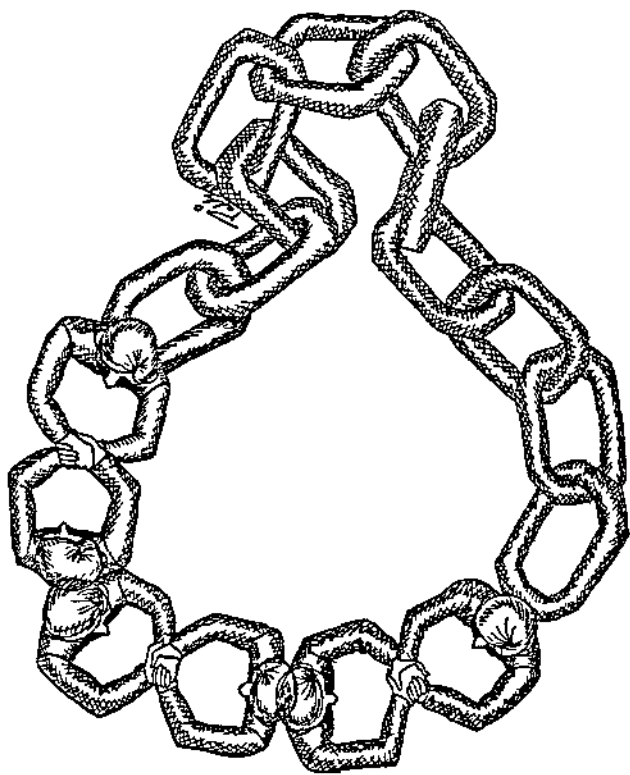
واژه «سلیم» مقابل حرب و به معنای صلح و سازش است و کلمه «کافه» از ماده «كف» به معنای مانع شدن از فعلیت و ظهور چیزی است و بر جماعت اطلاق می شود. از ابن عباس نقل شده: این آیه در شأن «عبدالله بن سلام یهودی» و اصحابش نازل شده است؛ آنان وقتی اسلام آوردند، با مسلمانان بر سر پاره ای از مسائل مانند تعظیم روز شنبه، کراهت گوشت و شیر شتر، اختلاف کردند؛ آن گاه از پیامبر اکرم خواستند که تورات را بیاورد و به آن عمل کند. خداوند این آیه را نازل کرد و همگان را به صلح و زندگی مسالمت آمیز دعوت کرد. در برخی از تفاسیر آمده است که از پیامبر اکرم (ص) اجازه خواستند تا تورات را در نمازهایشان بخوانند؛ آنگاه این آیه نازل شد و آنان را از پیروی شیطان نهی کرد.<sup>(۸)</sup>

خدای سبحان در این آیه مؤمنان را مورد خطاب قرار داده، همگان را به صلح و اتحاد و زندگی

مسالمت آمیز، دعوت کرده است.

ذات اقدس اله می فرماید: «ای مؤمنان! همگی با هم وارد قلعه محکم سازش و وحدت شوید؛ چون صلح و اتحاد، به منزله دژ محکم و حصن حصینی است که انسان را از هر حادثه ای حفظ می کند؛ مانند کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و ولایت علی بن ابی طالب (ع) که روایات از آنها به نام قلعه محکم الاهی یاد کرده است؛ چون مایه حفظ و صیانت از عذاب الاهی می شوند.

بنابراین، منظور از «سلیم» در این آیه، صلح و سازش و اتحاد و برادری در حوزه اسلامی میان مسلمانان و مؤمنان است؛ نه دعوت به اسلام. پس، این آیه، خطاب به مؤمنان



است و آنان را در محدوده داخلی ایمان و اسلام، به انقیاد و اتحاد همگانی دعوت و از تفرقه نهی می کند. آری، اگر خطاب به عموم مردم بود، مانند

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا  
طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»<sup>(۹)</sup>

یا نظیر سوره نصر بود «وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»<sup>(۱۰)</sup> که کلمه «ناس» دارد، ممکن بود که «سلیم» بر اصل اسلام منطبق شود؛ چنان که برخی از مفسران اهل تسنن<sup>(۱۱)</sup> این گونه معنا کرده اند.



«ادخلوا» فعل امر است و بر وجوب دلالت دارد و چون کلمه «كافة» در «ادخلوا في السلم كافة» به معنای جمیع و همگی است، معلوم می شود که حکم و جوب به اتحاد و برادری، ویژه فرد یا افراد غیر معین نیست تا مانند واجب کفایی باشد و با انجام دادن یکی، از دیگران ساقط شود. همچنین واجب بودن اتحاد بر خصوص «مجموع من حيث المجموع» یار نشده است تا آن که افراد به تنهایی تکلیفی نداشته باشند؛ بلکه چون هر فردی، هم حیثیت فردی دارد و هم حیثیت اجتماعی، حکم آیه به تک تک افراد اختصاص دارد؛ متها با عنایت به حیثیت اجتماعی آنان.

### آیه اخوت ایمانی

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ  
وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»

در حقیقت، مومنان با هم برادرند. پس، بین برادرانتان راسازش دهید و از خدا پروا بدارید؛ امید که مورد رحمت قرار گیرید. (۱۳)

این آیه، مؤمنان را به اخوت و برادری دعوت کرده است و از هر گونه تفرقه باز می دارد تا بر اساس

«أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۱۴)

به خوبی و مهربانی در زیر سایه اسلام، زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند.

بنابراین، باید کسی را که در دایره حوزه اسلام به داعیه مؤمن بودن خود، به جان مردم می افتد و ایجاد اختلاف می کند، از این کار بازداشت و آن اختلاف را حل کرد؛ چنان که قرآن می فرماید اگر دو گروه از مؤمنان، بر اثر برداشت های گوناگون یا تشخیص باطل، با هم به مبارزه برخواستند، نخست باید از راه موعظه و نصیحت بین آنان را اصلاح کنید و اگر اصلاح نشدند و گروهی بر گروه دیگر ستم روا داشتند، باید طایفه و گروهی باغی و ستمگر را با مبارزه بر سر جایشان بنشانید تا به قانون الهی تن دهند؛ اگر آنان تابع قانون الهی شدند، به وسیله عدل، میانشان اصلاح کنید و عادل باشید و نه صلح طلب؛ چون صلح و سازش در این جا محمود و ممدوح نیست؛ یعنی حق ستمدیده را از ستمگر بگیرید و به او بدهید؛ نه آن که ستمدیده را وادار کنید که از حقش بگذرد؛ زیرا این کار، گرچه صلح و سازش ایجاد می کند، ولی از عدل و عدالت فاصله دارد»

«وَ إِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا  
فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى  
الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى  
أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءت فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ  
وَ أَقْسَطُوا إِن اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (۱۴)

امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> به اخوت ایمانی تصریح کرده، می فرماید:

«إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ  
بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَسُوءُ الضَّمَائِرِ

شما بر اساس دین خدا با هم برادرید؛ چیزی جز دشمنی درون و بدی نیت، شما را از هم پراکنده نکرده است. (۱۵)

### ❦ برادری، نخستین شعار پیامبر (ص)

نخستین شعار رسول اکرم (ص) هنگام ورود به مدینه و پیش از ساختن مسجد و پرداختن به امور عمرانی، درباره اخوت و برادری دینی بود. آن حضرت (ص) مسلمانان را دو به دو در راه خدا برادر یک دیگر کرد:

«أَخِي النَّبِيِّ (ص) بَيْنَ أَصْحَابِهِ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ  
وَ الْأَنْصَارِ أَخَوِينَ أَخَوِينَ» (۱۶)

و با ایجاد عقد اخوت میان مسلمانان و بین خود و حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> و نیز میان دو قبیله «اوس» و «خزرج»، اتحاد و هماهنگی را تحقق بخشید. شعار وحدت، هم در آغاز تأسیس حکومت اسلام مطرح شد و هم هنگام استحکام حکومت اسلامی در مدینه و هم پس از فتح مکه و تفوق مسلمانان بر شبه جزیره عربستان؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) در حجه الوداع از حفظ وحدت، سخن به میان آورد و فرمود:

«الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَفَأُ دِمَاؤُهُمْ يَسْعَى  
بِفِئْتِهِمْ أَذْنَاهُمْ وَ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ  
مُسْلِمَانَانِ يَأْخُذُ بِيَدِ الْوَاحِدِ وَ خُونُ الْآخَرِ  
يَكُونُ عَلَيْهِمْ كَيْفَ كَانَتْ أُمَّةٌ يَكُونُ  
عَلَيْهَا مِنْ سِوَاهُمْ» (۱۷)

مسلمانان با هم برادرند و خون هایشان همسان یک دیگر است و خون هیچ کس ارزشمندتر از خون دیگری نیست. (۱۷)

اسلام فراوانند و با اتحاد و هماهنگی عزیز و قدرتمند می‌باشند.<sup>(۳۱)</sup>

وحدت طلبی، در سیره عملی و رفتار آن حضرت نیز به راحتی مشاهده می‌شود؛ چنان که در مقابل حق به غارت رفته خویش، ۲۵ سال سکوت کرد و با آن که خار در چشم و استخوان در گلو خانه نشین شده بود، از هیچ تلاشی برای اتحاد مسلمانان دریغ نورزید. امام علی<sup>(ع)</sup> آن زمان که سستی مسلمانان را در جنگ با مرتدان مشاهده کرد، با خلیفه اول بیعت نمود. و شاهد این مطلب، گفتار عثمان خطاب به امام<sup>(ع)</sup> است که گفت: «اگر تو بیعت نکنی، مسلمانان متفرق شده و کسی به دستور خلیفه برای جنگ با مرتدان نخواهد رفت.»<sup>(۳۲)</sup>

آن حضرت در جواب نامه ابوموسی اشعری درباره حکمیت می‌نویسد: «پس بدان در امت اسلام هیچ کس وجود ندارد که به وحدت امت محمد<sup>(ص)</sup> و به انس گرفتن آنان به یکدیگر از من دلسوزتر باشد. من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می‌طلبم و به آنچه پیمان بسته‌ام وفا دارم.»<sup>(۳۳)</sup>

کوتاه سخن آن که علی<sup>(ع)</sup> بزرگ‌ترین منادی وحدت امت اسلامی بوده است که در راه تحقق و تداوم وحدت از هیچ تلاشی دریغ نورزیده است.

(بایگه اطلاع‌رسانی ستاد پاسخگویی به سوالات دینی)

پی نوشت:

- ۱- آل عمران، آیه ۱۰۳
- ۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳ بند ۹
- ۳- نهم، آیه ۹
- ۴- شعراء، آیه ۲۵
- ۵- مائده، آیه ۲۵
- ۶- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷
- ۷- بقره، آیه ۲۰۸
- ۸- اسباب قرول واحدی، ۶۸
- ۹- بقره، آیه ۱۷۸
- ۱۰- نصر، آیه ۲
- ۱۱- الجامع لاحکام القرآن، ج ۳، ص ۳۳۲
- ۱۲- حجرات، آیه ۱
- ۱۳- فتح، آیه ۲۹
- ۱۴- حجرات، آیه ۹
- ۱۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳
- ۱۶- بحار، ج ۸، ص ۲۲۶
- ۱۷- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۳۲
- ۱۸- همان، ج ۸۵، ص ۱۶
- ۱۹- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۹۲
- ۲۰- همان، خطبه ۱۸
- ۲۱- همان، خطبه ۱۲۶
- ۲۲- امام علی و مومنان، علی محمد میرجلیلی، ص ۸۹ (نشریات وثوق) به نقل از اسباب الاشراف، بلاذری، ج ۱، ص ۵۸۷
- ۲۳- نهج البلاغه، نامه ۷۸

همان طور که برادران نسبی، پدر نسبی دارند، برادران ایمانی نیز پدر ایمانی خواهند داشت که همان رسول خدا و امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> است. بر همین اساس، پیامبر خود و حضرت علی<sup>(ع)</sup> را دو پدر امت اسلامی معرفی کرد.

«أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»<sup>(۳۴)</sup>

☞ وحدت امت اسلامی از نگاه حضرت علی<sup>(ع)</sup>

وحدت و یکپارچگی امت اسلام نزد امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اهتمام آن حضرت در حفظ یکپارچگی مسلمانان بر کسی پوشیده نیست.

علی<sup>(ع)</sup> را بی‌گمان می‌توان بزرگ‌ترین منادی وحدت امت رسول الله<sup>(ص)</sup> نامید و پژواک وحدت خواهی را از کلام و رفتار او شنید.

آن حضرت در تبیین جایگاه ارزشی و اهمیت فرق العاده وحدت و نقش مخرب تفرقه و جدایی، خطاب به مردم کوفه می‌فرماید: «آگاه باشید که شما اکنون دست از رشته اطاعت کشیدید و بازنده کردن ارزش‌های جاهلیت، دژ محکم الهی را در هم شکستید، در حالی که خداوند بر امت اسلامی با وحدت و برادری منت گذارده بود تا در سایه آن زندگی کنند؛ نعمتی بود که هیچ ارزشی را همانند آن نمی‌توان تصور کرد...»<sup>(۳۵)</sup>

آن حضرت اعتقاد به خدای سبحان و تمسک به کتاب، شریعت و پیامبر واحد را محور گردهمایی مسلمانان و عروة الوثقی آنان می‌داند و اجرای صحیح قوانین شریعت و پیروی از رهبری را عامل تداوم و بقای آن می‌شمرد و سرپیچی و تمرد از دستورات رهبری را عامل تضعیف و متلاشی شدن آن معرفی می‌کند.<sup>(۳۶)</sup>

آن حضرت در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید: پیروزی و شکست اسلام، به فراوانی و کمی طرفداران آن نبود. اسلام، دین خداست و هموست که آن را پیروز ساخت... جایگاه رهبر، چونان ریسمانی محکم است که مهره‌ها را متحد ساخته، به هم پیوند می‌دهد. اگر این رشته از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده و هر کدام به سوی افکنده خواهند شد... عرب امروز، گرچه از نظر مقدارند، اما به نعمت